

در آن مقام اصحاب صفاء و ارباب وفا جملا طلب حق مشغول
و مجتوع بارادت مشاع موصوف و بحر را از روی انکه بحال
آرای و بوصول جهان غای حوازه عارف شرف گردیدند
مندی و نیا و بقی یا بنده و بسع ال جمع کرامات و والا تان
می رسند و اوصاف حمیده ایشان تراشیده بوده اند و یکی
ان مقامات آن بود که هر چند که کعبه بربارت آن مردگان
الامر آمدن می ازین قبیله می رسند بزرگواران و جماعتی را نیز
می کرده و بعضی می گفته بودند که نماز هر کس که مضاعف ابواب
مانی است چنانکه فرموده اند رسول صلی الله علیه و سلم که هر کس
الرضی تا بود که خدمت حوازه نبوت کرامات و برهان ولایت
قدم مبارک را برین منزل رساند چون دل حوازه آن شهید
ان چهرت حوازه قدم مبارک را بران بقعه بردند و این امر را
بسعادت یافت لغای خوش و منور قرین در اوقات غایت
پرورش نمودند و ارسا تمجید و بقی بدالشان بسیارند
و از بوستان فرمودند مثال آن موضع را حوازه کلمه علی روشن

خوش بود که در شهر چون موزن اذان بخواند و با دست
الصلوة بکفت حضرت حوازه نماز متوجه شد ثابت ای وقت
و جوی لذی بر زبان رانند و از شلاقه دنیا بر میدهند و جان
هستند آن حالت سبک است و ولایت آن صاحب ولایت
و بیشتر شود و چند کت گفته باید که از توجیه یافته تر است
حوازه چون مقصودشان رسد استند با ستمین مبارک است
فرمودند و بر حجاب را از روی احجاب افسان حجاب بر سر
و ماه جمال کعب را بدان صاحب وقت آن نمودند اما که قدم
داشتند سجده شکنانه آوردند و اما که بشیر در خاطر
کدنت در قدمها حضرت حوازه علیه الرحمه رفتند و استغفار
مشغول شدند و هر یک صاحب دولتی و صاحب ولایتی
رزقنا الله لنا شفاعة **نقل است** که در ولادت حضرت حوازه
عارف و بزرگواران و فرزندان طریقت می بودند بعد از
از در فریضه حوازه محمود که یکی از باران بودند در خاطر
که در نهدت بسیار خدمت او را بوجهی شش برده اند و